

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من تراث الشيخ المفيد والسيد
الشريف المرتضى
فى فقه القضا با ترجمه فارسى

.....

تدوين و ترجمه:

حميد نيك فكر

مهدى رحيمى

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ ق.
عنوان قراردادی	: المقنعه. فارسی - عربی. برگزیده المسائل الناصریات. فارسی - عربی. برگزیده الفقه الناصریه. فارسی - عربی. برگزیده شرح
عنوان و نام پدیدآور	: من تراث الشیخ المفید والسید الشریف المرتضی فی فقه القضا با ترجمه فارسی / مولف [صحیح: گردآورنده و مترجم] حمید نیک فکر، مهدی رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۳۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: زبان: فارسی - عربی.
یادداشت	: کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب‌های «المقنعه» تالیف شیخ مفید و «المسائل الناصریات و هی المسائل الطبریة» تالیف سید مرتضی که خود شرحی بر کتاب «الفقه الناصریه» تالیف ناصر کبیر است.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	: ناصر کبیر، حسن بن علی، - ۳۰۴ ق. الفقه الناصریه -- نقد و تفسیر
موضوع	: قضاوت (فقه) * Judgment (Islamic law)
	: فقه جعفری -- قرن ۴ ق. * Islamic law, Ja'fari -- 10th century
شناسه افزوده	: سید مرتضی، علی بن حسین، ۳۵۵ - ۴۳۶ ق.
شناسه افزوده	: Sharīf al-Murtaḍā, 'Alam al-Hudā 'Alī ibn al-Ḥusayn
شناسه افزوده	: نیک فکر، حمید، ۱۳۶۱ -، گردآورنده، مترجم
شناسه افزوده	: رحیمی، مهدی، ۱۳۶۴ -، گردآورنده، مترجم
شناسه افزوده	: ناصر کبیر، حسن بن علی، - ۳۰۴ ق. الفقه الناصریه. شرح
رده بندی کنگره	: BP1۹۵/۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۰۵۵۴۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

نام کتاب	: من تراث الشیخ المفید و السید الشریف المرتضی فی فقه القضا با ترجمه فارسی
ناشر	: چتر دانش
تدوین و ترجمه	: حمید نیک فکر - مهدی رحیمی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۲
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۳۰-۶
قیمت	: ۷۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه‌ی حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

٦	مقدمه.....
٧	شيخ مفيد.....
٩	كتاب "المقنعة".....
٩	كِتَابُ الْقَضَاءِ وَالشَّهَادَاتِ وَالْفِصَاصِ وَالذِّيَّاتِ.....
٩	أَبْوَابُ الْقَضَايَا وَالْأَحْكَامِ.....
١٣	بَابُ آدَبِ الْقَاضِي وَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَحْوَالِ عِنْدَ الْقَضَاءِ.....
١٣	باب آداب قاضي و شرايطى كه هنگام قضاوت بر او لازم است.....
٢١	بَابُ الْبَيِّنَاتِ.....
٢٨	بَابُ كَيْفِيَّةِ سَمَاعِ الْقَضَاةِ الْبَيِّنَاتِ.....
٣٢	بَابُ الْأَيْمَانِ وَكَيْفَ يَسْتَحْلِفُ بِهَا الْحُكَّامُ.....
٣٥	بَابُ قِيَامِ الْبَيِّنَةِ عَلَى الْحَالِفِ بَعْدَ الْيَمِينِ أَوْ إِقْرَارِهِ بِمَا أَنْكَرَهُ بَعْدَهَا.....
٣٧	الْقَضَاءُ فِي الذِّيَّاتِ وَالْفِصَاصِ.....
٤٢	بَابُ الْبَيِّنَاتِ عَلَى الْقَتْلِ.....
٤٥	بَابُ الْقَضَاءِ فِي اخْتِلَافِ الْأَوْلِيَاءِ.....
٤٦	بَابُ الْقُودِ بَيْنَ النِّسَاءِ وَالرِّجَالِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَالْكَفَّارِ وَالْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ.....
٥٠	بَابُ الْقَضَاءِ فِي قَتْلِ الزُّحَامِ وَمَنْ لَا يُعْرِفُ قَاتِلَهُ وَمَنْ لَا دِيَّةَ لَهُ وَمَنْ لَيْسَ لِقَاتِلِهِ عَاقِلَةٌ وَلَا لَهُ مَالٌ تُؤَدَّى مِنْهُ الدِّيَّةُ.....

- بَابُ الْقَاتِلِ فِي الْحَرَمِ وَفِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ..... ٥٥
- بَابُ الْمَقْتُولِ إِذَا اخْتَلَفَ الْإِفْرَارُ فِي قَتْلِهِ وَالْإِثْنَيْنِ إِذَا قَتَلَ وَاحِدًا وَالثَّلَاثَةَ
يَشْتَرِكُونَ فِي الْقَتْلِ بِالْإِمْسَاكِ وَالرُّؤْيَا وَالْقَتْلِ وَالْوَّاحِدِ يَقْتُلُ الْإِثْنَيْنِ..... ٥٦
- بَابُ ضَمَانِ النَّفُوسِ..... ٦٠
- بَابُ قَتْلِ السَّيِّدِ عَبْدَهُ وَالْوَالِدِ وَلَدَهُ..... ٦٧
- بَابُ الْإِشْتِرَاكِ فِي الْجَنَايَاتِ..... ٦٨
- بَابُ إِشْتِرَاكِ الْأَحْرَارِ وَالْعَبِيدِ وَالنِّسَاءِ وَالرِّجَالِ وَالْخُنَاثِيِّ وَالصَّبِيَّانِ وَالْمَجَانِينِ
فِي الْقَتْلِ..... ٧٠
- سيد مرتضى..... ٧٧
- كتاب "المسائل الناصريات"..... ٧٨
- كِتَابُ الْقَضَاءِ..... ٧٨
- كتاب "الانتصار في انفرادات الإمامية"..... ٨٦
- كِتَابُ مَسَائِلِ الْقَضَاءِ وَالشَّهَادَاتِ وَمَا يَتَّصِلُ بِذَلِكَ..... ٨٦

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا خَاتَمِهِمْ وَ أَفْضَلِهِمْ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَنْجَبِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ

کتاب حاضر از مجموعه کتاب‌هایی است که مشتمل‌اند بر ترجمه و توضیح باب القضاء از کتب فقهای امامیه از قرن چهارم هجری تا ابتدای قرن یازدهم.

ترجمه‌ای که اکنون در اختیار شماست، دارای امتیازاتی است که آن را از سایر شروح و ترجمه‌ها تالیف شده در این باب متمایز می‌سازد. این امتیازات عبارتند از:

۱. ترجمه‌ای روان، همراه با توضیحات تکمیلی و مثال‌هایی که در داخل قلاب‌ها "[]" ارائه شده است تا مراد مولفان به بهترین شکل ممکن، واضح گردد.

۲. متن ترجمه فارسی، مورد ویراست ادبی قرار گرفته و اشتباهات املایی، دستوری و ساختاری به حداقل ممکن، کاهش یافته است.

۳. در برخی موارد، از مطابقت کامل و تحت اللفظی ترجمه فارسی با متن اصلی عربی اجتناب شده به ترتیبی که ترجمه فارسی با تقدیم و تأخیر از عبارت عربی آورده شده، تا مراد مولفان، بهتر، واضح شود.

از تمامی دانش پژوهان گرامی استدعا می‌نماییم که پس از مطالعه این کتاب، نظرات عالمانه خود را به نگارندگان انتقال دهند تا در صورت لزوم در چاپ‌های بعدی اشکالات و ایرادات احتمالی مرتفع گشته و قابلیت بهره‌مندی از این مجموعه بیش از گذشته برای مخاطبان فراهم شود.

پست الکترونیکی: a2sahid@yahoo.com

شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان (۳۳۶ ق یا ۳۳۸ ق - ۴۱۳ ق)^۱ مشهور به شیخ مفید و ابن المعلم (پدرش شغل معلمی داشت و بدین جهت شیخ مفید به «ابن المعلم» مشهور بوده است). در عکبری نزدیکی بغداد به دنیا آمد. متکلم و فقیه امامیه در قرن‌های چهارم و پنجم قمری بود.

در کلام دیگران

نجاشی، شاگرد نامدار شیخ مفید درباره او می‌گوید: «محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام بن جابر بن نعمان بن سعید بن جبیر، شیخ و استاد ما است- که رضوان خدا بر او باد- فضل او در فقه و حدیث و ثقه بودن او مشهورتر از آن است که توصیف شود».^۲

شیخ طوسی در کتاب رجال خود از شیخ مفید این‌گونه یاد می‌کند: «محمد بن محمد بن نعمان، معروف به ابن‌المعلم، از متکلمان امامیه است. در عصر خویش ریاست و مرجعیت شیعه به او منتهی گردید. در فقه و کلام بر هر کس دیگر مقدم بود. حافظه خوب و ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سؤالات، حاضر جواب بود او بیش از ۲۰۰ جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد».^۳

آثار

المُقْنَعَة در علم فقه، اوائل المقالات در دانش کلام و الإرشاد در شرح حال امامان شیعه معروف‌ترین آثار شیخ مفید است. کتاب الايضاح در امامت. کتاب الجمل والنصرة لسيد العترة في حرب البصرة.

اساتید و شاگردان

شیخ صدوق، ابن جنید اسکافی و ابن قولویه مشهورترین استادان شیخ مفید بودند. برخی از شاگردان شیخ مفید عبارتند از: شیخ طوسی، سید مرتضی، سید رضی، نجاشی، سلار دیلمی و ابوالفتح کراچکی.

۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ۴۰۲-۴۰۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفه، قم، ششم، ۱۳۶۵ ش.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ۳۹۹.

۳. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۱۵۷. المفید، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الفهرست، مصحح: سید محمد صادق آل بحر العلوم، المكتبة الرضوية، اول، نجف اشرف - عراق، بی تا.

وفات

وی در سال ۴۱۳ قمری از دنیا رفت. مقبره وی اکنون در حرم کاظمین قرار دارد.

کتاب "المقنعة"^۱

کتاب الْقَضَاءِ وَالشَّهَادَاتِ وَالْقِصَاصِ وَالذِّيَّاتِ

أَبْوَابُ الْقَضَايَا وَالْأَحْكَامِ

۱. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»^۲. فَحَدَّرَ نَبِيَّهُ مِنَ الْهَوَى لِئَلَّا يَضِلُّ بِهِ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَيَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ شَدِيدَ الْعَذَابِ.

۲. وَقَالَ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ»^۳.

المقنعه

کتاب قضاوت و شهادت و قصاص و دیات

باب قضاوت [شئون داوری] و احکام آن

۱. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای داوود، ما تو را نماینده خود در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند [در این آیه] خداوند پیامبر را از پیروی هوا و هوس هشدار داده تا بدین وسیله از راه خداوند گمراه نشود که با آن مستحق عذاب شدیدی می‌گردد.

۲. و خداوند به پیامبرش فرموده است: و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آن‌ها حکم کن، از هوا و هوس‌های آنان پیروی نکن، و از احکام الهی، روی مگردان.

۱. محمد بن محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید)، المقنعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۲. ص/ ۲۶.

۳. مائده/ ۴۸.

۳. وَقَالَ تَعَالَى أَمْرًا الْحَكَّامَ الْمُسْلِمِينَ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»^۱.

۴. وَقَالَ تَعَالَى «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲ وَفِي مَوْضِعٍ آخَرَ «فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۳ وَفِي مَوْضِعٍ آخَرَ «فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۴.



۳. و خدای تعالی در حالی که به حاکمان مسلمان امر کرده فرموده است: خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید. و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد. خداوند، شنوا و بیناست.

۴. و فرموده است: و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، فاسقند. و در جای دیگر فرموده است: و آن‌ها [که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند]، کافرند. و در جای دیگر فرموده است: و آن‌ها [که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکنند]، ستمگر است.

۱. نساء/ ۵۸.

۲. مائده/ ۴۷.

۳. مائده/ ۴۴.

۴. مائده/ ۴۵.

۵. وَالْقَضَاءُ بَيْنَ النَّاسِ دَرَجَةٌ عَالِيَةٌ وَشُرُوطُهُ صَعْبَةٌ شَدِيدَةٌ وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَعَرَّضَ لَهُ حَتَّى يَثِقَ مِنْ نَفْسِهِ بِالْقِيَامِ بِهِ وَلَيْسَ يَثِقُ أَحَدٌ بِذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ عَاقِلًا كَامِلًا عَالِمًا بِالْكِتَابِ وَنَاسِخِهِ وَمَنْسُوخِهِ وَعَامَهُ وَخَاصَّهُ وَنَدْبَهُ وَإِجَابَهُ وَمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ عَارِفًا بِالسُّنَنِ وَنَاسِخِهَا وَمَنْسُوخِهَا عَالِمًا بِاللُّغَةِ مُضْطَلَعًا بِمَعَانِي كَلَامِ الْعَرَبِ بَصِيرًا بِوُجُوهِ الْإِعْرَابِ وَرِعَا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا مُتَوَفِّرًا عَلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَاتِ مُجْتَنِبًا لِلذُّنُوبِ وَالسَّيِّئَاتِ شَدِيدَ الْحَذَرِ مِنَ الْهَوَى حَرِيصًا عَلَى التَّقْوَى.

۶. فَقَدْ رَوَى أَنَّهُ نُودِيَ لِقْمَانَ الْحَكِيمِ حِينَ هَدَّاتِ الْعُيُونُ أَلَّا نَجْعَلَكَ يَا لِقْمَانُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ تَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ فَقَالَ لِقْمَانُ يَا رَبِّ إِنْ أَمَرْتَنِي أَفْعَلُ وَإِنْ خَيْرْتَنِي اخْتَرْتُ الْعَافِيَةَ قَالَ فَنُودِيَ يَا لِقْمَانُ وَمَا عَلَيْكَ أَنْ نَجْعَلَكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ تَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ فَقَالَ لِقْمَانُ يَا رَبِّ إِنْ وُلِّيتَ فَعَدَلْتُ فَبِالْحَرِيِّ أَنْ أَنْجُوَ وَإِنْ أَخْطُ طَرِيقَ الْحَقِّ تَعَرَّضْتُ لَسَخِطِكَ وَمَنْ ذَا يَا رَبِّ يَتَعَرَّضُ لِسَخِطِكَ قَالَ فَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ مَلَكًا فَعَطَّهُ فِي الْحِكْمَةِ عَطًّا.



۵. و قضاوت بین مردم رتبه‌ای، ارجمند و بزرگ است و شرایط آن دشوار و سخت است. و شایسته نیست کسی به سوی آن رود تا اینکه خودش اطمینان داشته باشد که آن را برپا دارد و هیچ کس نسبت به آن به خودش اطمینان ندارد تا این که عاقل کامل باشد و به کتاب خدا و ناسخ و منسوخ آن و عام و خاص آن و استحباب و واجب آن و محکم و متشابه آن، آگاه باشد و به سنت پیامبر ﷺ و ناسخ و منسوخ آن آگاه باشد و آگاه به زبان و توانا و چیره به معنی لغات عرب و آگاه به انواع اعراب باشد و از معصیت خداوند روی گردان و بدور باشد و در امور دنیوی زاهد باشد و همت خود را بر اعمال صالح بگمارد و از گناهان و خطاها اجتناب کند و از هوا و هوس به شدت پرهیز کند و بر تقوا و پرهیزگاری بسیار آزمند و حریص باشد.

۶. و روایت شده هنگامی که چشم‌ها به خواب رفت به لقمان حکیم ندا داده شد، ای لقمان آیا تو را خلیفه در زمین قرار ندادیم که بین مردم حق قضاوت کنی. پس لقمان گفت: ای پروردگار اگر مرا امر کنی انجام می‌دهم، و اگر به من اختیار دهی، عافیت را بر می‌گزینم. گفت: پس ندا داده شد ای لقمان، چه می‌شود تو را که تو را جانشین و خلیفه در زمین قرار دادیم که بین مردم قضاوت کنی. پس لقمان گفت: ای پروردگار اگر مرا به آن کار گماری، پس به عدالت رفتار می‌کنم و شایسته است که نجات یابم و اگر خطا کنم، در معرض عقوبت تو قرار می‌گیرم و کیست ای پروردگار، [بتواند] متعرض عقوبت تو گردد. گفت: پس خدای تبارک و تعالی فرشته‌ای را به سوی او روانه کرد و او را به حکمت پیچید، پوشانیدنی.

۷. وَرُويَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ مَنْ جُعِلَ قَاضِيًا فَقَدْ دُبِحَ بِغَيْرِ سَكِينٍ. وَرُويَ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ قَالَ الْقُضَاةُ أَرْبَعَةٌ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ فِي النَّارِ وَوَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ فَسُئِلَ عَنْ صِفَاتِهِمْ لِنَتَّعَ الْمَعْرِفَةَ بِهِمْ وَالتَّمْيِيزَ بَيْنَهُمْ

۸. فَقَالَ قَاضٍ قَضَى بِالْبَاطِلِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ بَاطِلٌ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ قَاضٍ قَضَى بِالْبَاطِلِ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ بَاطِلٌ فَهُوَ أَيْضًا فِي النَّارِ وَ قَاضٍ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ قَاضٍ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ.



۷. و از نبی مکرم اسلام ﷺ روایت شده که آن حضرت فرمودند: کسی که به عنوان قاضی قرار داده شود، همانا بدون چاقو، ذبح شده است. از امیرالمومنین ﷺ روایت شده که آن حضرت فرمودند: قاضیان چهار دسته‌اند و سه دسته آن‌ها در آتش و یک دسته در بهشت‌اند؛ پس از آن حضرت ﷺ از صفات ایشان سوال شد، تا آن‌ها شناخته شوند و بین ایشان تمییز و فرق گذاشته شود.

۸. پس آن حضرت فرمود: قاضی‌ای که به باطل قضاوت می‌کند و می‌داند که آن ظلم و باطل است؛ پس او در آتش است. و قاضی‌ای که باطل حکم می‌کند و نمی‌داند که آن حکم، باطل است؛ پس او هم در آتش است. و قاضی‌ای که به حق حکم می‌دهد و نمی‌داند که آن حق است؛ پس او در آتش است. و قاضی‌ای که به حق حکم داده، در حالی که می‌داند آن حق است؛ پس او در بهشت است.

بَابُ آدَبِ الْقَاضِي وَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَحْوَالِ عِنْدَ الْقَضَاءِ

۹. وَيَجِبُ عَلَى الْقَاضِي إِذَا كَانَ مِنَ الصِّفَاتِ بِمَا تَقَدَّمَ شَرْحُهُ وَأَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ لِلْقَضَاءِ أَنْ يُنْجِزَ حَوَائِجَهُ الَّتِي يَتَعَلَّقُ نَفْسُهُ بِهَا لِيُفْرَغَ لِلْحُكْمِ وَلَا يَشْغُلَ قَلْبُهُ بِغَيْرِهِ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ وَضُوءَ الصَّلَاةِ وَيَلْبَسُ مِنْ ثِيَابِهِ مَا يُتِمَّكُنُّ مِنَ الْجَمَالِ بِهِ وَحُسْنُ الْهَيْئَةِ بِلَبْسِهِ.

۱۰. وَيَخْرُجُ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ فِي الْبَلَدِ الَّذِي يَحْكُمُ فِيهِ فَيَصِلِي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ دُخُولِهِ وَ يَجْلِسُ مُسْتَدْبِرَ الْقِبْلَةِ لِتَكُونَ وَجُوهُ الْخُصُومِ إِذَا وَقَفُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَقْبِلَةَ الْقِبْلَةِ وَلَا يَجْلِسُ وَهُوَ غَضْبَانٌ وَلَا جَائِعٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا مَشْغُولُ الْقَلْبِ بِتِجَارَةٍ وَلَا خَوْفٍ وَلَا حُزْنٍ وَلَا فِكْرٍ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ وَلَا يَجْلِسُ وَ عَلَيْهِ هَدْيٌ وَسَكِينَةٌ وَ وَقَارٌ.



باب آداب قاضی و شرایطی که هنگام قضاوت بر او لازم است.

۹. و بر قاضی که صفات قضاوت را به همان گونه که شرحش گذشت، دارا است، واجب است هنگامی که اراده کرد به کرسی قضاوت بنشیند، اینکه نیازهایی که نفسش را به خود مشغول می کند، برآورده سازد تا برای قضاوت آسوده باشد [بدون دغدغه قضاوت کند] و قلبش به جز آن، به چیزی مشغول نباشد سپس وضوی نماز بگیرد و تا آنجا که می تواند لباس های زیبا به تن کند و زیبا به نظر آید.

۱۰. و در شهری که در آن قضاوت می کند، به سوی مسجد بزرگش خارج شود؛ پس وقت ورود در مسجد، دو رکعت نماز بخواند و پشت به قبله بنشیند تا صورت های طرفین دعوا وقتی روبروی او می نشینند، رو به قبله باشد و در حالی که خشمگین است و گرسنه و تشنه است و قلبش به تجارت یا ترس و اندوه مشغول است، به [مسند قضاوت] ننشیند و به هیچ چیزی فکر نکند و با آرامش و متانت و بردباری به قضاوت بنشیند.

۱۱. فَإِذَا جَلَسَ تَقَدَّمَ إِلَى مَنْ يَأْمُرُ كُلُّ مَنْ حَضَرَ لِلتَّحَاكُمِ أَنْ يَكْتُبَ اسْمَهُ وَ اسْمَ أَبِيهِ وَمَا يُعْرِفُ بِهِ مِنَ الصِّفَاتِ الْعَالِيَةِ عَلَيْهِ دُونَ الْأَلْقَابِ الْمَكْرُوهَةِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ وَكَتَبُوا أَسْمَاءَهُمْ وَأَسْمَاءَ خُصُومِهِمْ فِي الرَّقَاعِ قَبِضَ ذَلِكَ كُلَّهُ إِلَيْهِ وَخَلَطَ الرَّقَاعَ وَجَعَلَهَا تَحْتَ شَيْءٍ يَسْتُرُهَا بِهِ عَنْ بَصَرِهِ ثُمَّ يَأْخُذُ مِنْهَا رُفْعَةً فَيَنْظُرُ فِيهَا وَ يَدْعُو بِاسْمِ صَاحِبِهَا وَخَصْمِهِ فَيَنْظُرُ بَيْنَهُمَا.

۱۲. وَإِذَا جَلَسَ لِلنِّظَرِ وَ دَخَلَ الْخَصْمَانِ عَلَيْهِ فَلَا يَبْدَأُ أَحَدُهُمَا بِكَلَامٍ فَإِنْ سَلَّمَ أَوْ سَلَّمَ أَحَدُهُمَا رَدَّ السَّلَامَ دُونَ مَا سِوَاهُ. وَلْيَكُنْ نَظَرُهُ إِلَيْهِمَا وَاحِدًا وَ مَجْلِسُهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى السَّوَاءِ.



۱۱. و وقتی به قضاوت نشست پیش از هر چیز کسی را امر کند تا هر کس را که برای دادخواهی حاضر شده، اسم خودش و اسم پدرش و ویژگی‌های غالب او را که با آن شناخته می‌شود بنویسد و نباید القاب زشت را بنویسد و هنگامی که این کار انجام شد و اسامی مدعی‌ها و طرفین دعوی‌شان در کاغذها نوشته شد، همه آن‌ها را به نزد او بگذارد و همه کاغذها را در هم آمیزد و آن‌ها را زیر شی‌ای قرار دهد که از چشمش پنهان باشند؛ سپس یک کاغذ از میان آن‌ها بگیرد و در آن نظر کند، و اسم صاحب آن و طرف دعوی‌اش را صدا کند پس به دعوی آن‌ها رسیدگی کند.

۱۲. و هنگامی که به رسیدگی [و قضاوت] نشست و طرفین دعوا بر او وارد شدند و با هیچ یک از آن دو شروع به صحبت نکند؛ پس اگر هر دوی آن‌ها یا یکی از آن‌ها سلام کرد، فقط جواب سلامش را بدهد نه چیز دیگر بگوید. و باید توجه و نگاهش به هر دوی آن‌ها یکسان باشد. و مکان نشستن آن دو در مقابل قاضی، مساوی و برابر باشد.

۱۳. فَإِذَا جَلَسَا لَمْ يَسْأَلْهُمَا وَلَا أَحَدُهُمَا عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَصْمِتَا فَلَا يَتَكَلَّمَا فَيَقُولُ لِهَذَا حِينَئِذٍ
إِنْ كُنْتُمَا حَضَرْتُمَا لِشَيْءٍ فَأَذْكُرَاهُ فَإِنْ ابْتَدَأَ أَحَدُهُمَا بِالدَّعْوَى عَلَى صَاحِبِهِ سَمِعَهَا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى
الْآخَرَ فَسَأَلَهُ عَمَّا عِنْدَهُ فِيمَا ادَّعَاهُ خَصْمُهُ فَإِنْ أَقْرَبَ بِهِ وَ لَمْ يَرْتَبْ بِعَقْلِهِ وَاخْتِيَارِهِ أَلْزَمَهُ الْخُرُوجَ إِلَيْهِ
مِنْهُ فَإِنْ خَرَجَ وَإِلَّا أَمَرَ خَصْمَهُ بِمِلَازِمَتِهِ حَتَّى يُرْضِيَهُ.

۱۴. فَإِنْ التَّمَسَّ الْخَصْمُ حَبْسَهُ عَلَى الْإِمْتِنَاعِ مِنْ أَدَاءِ مَا أَقْرَبَ بِهِ حَبْسَهُ لَهُ فَإِنْ ظَهَرَ بَعْدَ حَبْسِهِ
إِيَّاهُ أَنَّهُ مُعَدَّمٌ فَقِيرٌ لَا يَرْجِعُ إِلَى شَيْءٍ وَلَا يَسْتَطِيعُ الْخُرُوجَ مِمَّا أَقْرَبَ بِهِ خَلَى سَبِيلَهُ وَأَمَرَهُ أَنْ يَتَحَمَّلَ
حَقَّ خَصْمِهِ وَ يَسْعَى فِي الْخُرُوجِ مِمَّا عَلَيْهِ.



۱۳. و هنگامی که آن دو نشستند، از آن دو یا یکی از آن‌ها درباره چیزی سوال نمی‌کند؛ مگر آنکه آن دو سکوت کنند و چیزی نگویند که در این هنگام به هر دوی آن‌ها می‌گوید: اگر برای چیزی [حاجتی] حاضر شده‌اید پس آن را بازگو کنید و اگر یکی از طرفین دعوا به طرح ادعایش علیه دیگری شروع کرد، آن ادعا را می‌شنود و سپس رو به دیگری می‌کند و از او در برابر آنچه متخاصمش ادعا کرده، درباره آن دفاعی که در نزدش دارد سوال می‌کند، پس اگر [مدعی علیه] به آن ادعا اقرار کرد و قاضی به عقل و اختیار داشتن او شک نکرد، او را وادار می‌کند که از عهده‌ی آن اقراری که کرده به نفع مدعی خارج گردد، پس اگر از عهده آن بیرون آمد، که هیچ؛ و گرنه طرف دعوایش را امر می‌کند تا ملازم و همراه او باشد تا او را راضی کند.

۱۴. اگر متخاصمش درخواست کرد که او را به خاطر امتناع و خودداری از ادای آن چه بدان اقرار کرده، زندانی کنند؛ قاضی آن اقرار کننده را به نفع طرف دعوایش زندانی می‌کند و اگر بعد از اینکه او را به خاطر متخاصمش زندانی کرد، معلوم شد که آن اقرار کننده، شخصی مسکین و فقیر است و توان پرداخت چیزی را ندارد و نمی‌تواند از عهده آنچه بدان اقرار کرده است خارج گردد، او را آزاد می‌کند و به او امر می‌کند که متحمل حق متخاصمش شود [و آن را بر عهده بگیرد] و تلاش کند از آنچه بر عهده‌اش آمده خارج گردد.

۱۵. وَإِنْ ارْتَابَ الْقَاضِي بِكَلَامِ الْمَفْرُورِ وَشَكَّ فِي صِحَّةِ عَقْلِهِ وَاخْتِيَارِهِ لِلِإِفْرَارِ تَوَقَّفَ عَنِ الْحُكْمِ عَلَيْهِ حَتَّى يَسْتَبْرَأَ حَالَهُ.

۱۶. وَإِنْ أَنْكَرَ الْمُدْعَى عَلَيْهِ مَا ادَّعَاهُ الْمُدْعِي سَأَلَهُ أَلَيْسَ عَلَيْكَ بَيِّنَةٌ عَلَى دَعْوَاكَ فَإِنْ قَالَ نَعَمْ هِيَ حَاضِرَةٌ نَظَرَ فِي بَيِّنَتِهِ وَإِنْ قَالَ نَعَمْ وَ لَيْسَتْ حَاضِرَةٌ قَالَ لَهُ أَحْضَرَهَا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ آخِرُهُ عَنِ الْمَجْلِسِ وَنَظَرَ بَيْنَ غَيْرِهِ وَ بَيْنَ خَصْمِهِ إِلَى أَنْ يَحْضُرَ الْأَوَّلُ بَيِّنَتَهُ

۱۷. فَإِنْ قَالَ الْمُدْعِي لَسْتُ أَتَمَكَّنُ مِنْ إِحْضَارِهَا أَوْ قَالَ لَا بَيِّنَةٌ لِي عَلَيْهِ الْآنَ قَالَ لَهُ فَمَا تُرِيدُ فَإِنْ قَالَ لَا أَدْرِي أَعْرَضَ عَنْهُ وَإِنْ قَالَ تَأْخُذُ لِي بِحَقِّي مِنْ خَصْمِي قَالَ لِلْمُنْكَرِ أَتَخْلِفُ لَهُ فَإِنْ قَالَ نَعَمْ أَقْبَلْ عَلَى صَاحِبِ الدَّعْوَى فَقَالَ لَهُ قَدْ سَمِعْتَ أَفْتَرِيدُ بِمَيْنَتِهِ فَإِنْ قَالَ: لَا، أَفَأَمَّهُمَا وَنَظَرَ فِي الْحُكْمِ مَعَ غَيْرِهِمَا



۱۵. و اگر قاضی به کلام اقرار کننده، شک کرد و در صحت و سلامت عقل و اختیارش [عدم اجبار و کراهتش] در اقرار تردید کرد: در صدور حکم توقف می کند تا از آن وضع خارج شود.

۱۶. و اگر مدعی علیه آن ادعایی که مدعی مطرح کرد را رد کرد [و منکر شد] از او سوال می کند: آیا بر ادعای خودت شهودی داری؟ پس اگر مدعی گفت بله، شهود حاضر است. شهودش را بررسی می کند. و اگر مدعی گفت: بله شهود دارم اما حاضر نیستند قاضی به او می گوید: آن ها را حاضر کند؛ پس اگر مدعی گفت: بله [حاضر می کنم] از آن دادگاه، به او مهلت می دهد و به مدعی دیگری و طرف دعوایش رسیدگی می کند تا آن مدعی اول، شهودش را حاضر کند.

۱۷. و اگر آن مدعی گفت: توان حاضر کردن آن شهود را ندارم یا گفت من اصلاً شهودی علیه مدعی علیه بر ادعایم ندارم؛ پس قاضی به او می گوید: چه می کنی؟ که اگر گفت نمی دانم، از او رو بر می گرداند. و اگر گفت: حق مرا از طرف دعوی بگیر، قاضی به آن مدعی علیه که انکار کرده می گوید: آیا برای او قسم می خوری؟ پس اگر گفت بله، به مدعی دعوا رو می کند و به او می گوید: شنیدی، آیا می خواهی او را قسم دهی؛ پس اگر گفت: نه، آندو را مرخص می کند و به دعوی دیگر رسیدگی می کند.